

# اعتراضات کارگری و توهم پراکنی به رئیسی جلاد

## زنده باد مبارزه مستقل کارگری!



صحنه ای از اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت معدن زغال سنگ کرمان

## صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

طبقه کارگر ایران در یکی از دشوارترین شرایط اقتصادی و اجتماعی بسر میبرد. سرمایه داری پیرامونی در بحران، با چهره کریمه خود یک جهنم زمینی را برای بردگان مزدی و اقشار تحتانی جامعه بوجود آورده است. پاندمی کرونا شرایط اقتصادی و اجتماعی را غیر انسانی تر از قبل کرده است. میلیونها کارگر بیکار هستند و صدها هزار کارگر در حال پیوستن به ارتش عظیم بیکاران هستند. سطح دستمزدها بسیار پائین تر از خط فقر است. طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه برای بقای فیزیکی خود تقلا میکنند. با وجود این شرایط سخت و تداوم پاندمی کرونا، شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری در اقصی نکات ایران هستیم. اعتصاب و اعتراضات کارگران راه آهن، اعتصاب و اعتراضات پرستاران، کارگران هفت تپه، کارگران شهرداریها و بخصوص اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت معدن زغال سنگ کرمان تنها بخشی از این اعتراضات و اعتصابات هستند.

اعتصاب و اعتراضات کارگران شهرداری اگر چه پراکنده و بدون ارتباط با هم بودند اما حداقل به ۱۷ شهر گسترش پیدا کرد. خواسته های مشترک داشتند، امنیت شغلی، پرداخت حقوق های معوقه، افزایش حقوق های زیر خط فقر، بهبود شرایط کار و کاهش ساعت کار. در اهواز شهرداری، کارگران اعتصابی را اخلاکگر و اعتصاب آنها را مشکوک قلمداد کرد، کارگران دیگری را بجای آنها بکار گرفت و یگان ویژه را برای سرکوب کارگران فراخواند. یگان ویژه با شلیک مستقیم به کارگران معترض ۲ تن از کارگران را مجروح کرد. معاون شهرداری خواستار پیگیری دستگاههای امنیتی شد، تا دستگاه قضائی کارگران را تحت تعقیب قرار دهد. تعدادی از کارگران نیز تهدید به بازداشت شدند.

اواخر اردیبهشت ۳۵۰۰ کارگر شرکت معدن زغال سنگ کرمان در اعتراض به ناامنی شغلی، پائین بودن سطح دستمزدها و دیگر مزایاها ضمن اعتصاب، اعتراض را به داخل شهر کشاندند. کارگران با شعار «میجنگیم، میجنگیم ذلت نمی پذیریم» صدای اعتراضشان را در شهر به طنین انداختند. یکی از نکات قوت این اعتراض کارگری حضور چشمگیر خانواده های کارگری بود که حتی در شکل سخنران ظاهر شدند و این مسئله در انعکاس این اعتراض کارگری نقش مهمی ایفا کرد. همبستگی خانواده ها و کشاندن اعتراض به داخل شهر برای جلب حمایت، قدرت بیشتری به اعتراضات کارگری میدهد.

بورژوازی اسلامی به پتانسیل طبقه کارگر و اعتراضات اجتماعی دوران پسا کرونا آگاه است، لذا در کنار سرکوب لجام گسیخته اعتراضات کارگری و به گلوله بستن آنها در شکل حامی کارگران نیز ظاهر میشود تا از رادیکال شدن اعتراضات کارگری جلوگیری کند و اعتراضات کارگری را به کانال دولتی سوق دهد. در این زمینه، بورژوازی کثیف اسلامی اخیراً دست به نمایش جدیدی زده است و متأسفانه عده ای نیز تحت عنوان فعال کارگری بدنبال توهم آفرینی برای بورژوازی هار اسلامی هستند. امید اسد بیگی و مهرداد رستمی چنگی دو جوان صاحب شرکت هفت تپه به همراه ۲۱ نفر از مقامات مملکتی، مقامات بانکی، اداری و غیره به جرم اختلاس یک و نیم میلیارد دلاری محاکمه میشوند. رسانه های حکومتی بخصوص رسانه های نزدیک به اصولگرایان با تبلیغات خیر محاکمات را پخش میکنند و از اجرای عدالت سخن میگویند. بورژوازی اسلامی با این

نمایشات بدنبال اهداف مشخصی است. اولاً این محاکمه بیانگر اختلافات درونی گرایشات بورژوازی است، جناح اصولگرا، در جنگ قدرت، جناح اصلاح طلب را زیر فشار قرار میدهد. ثانیاً بورژوازی اسلامی بدنبال کسب مشروعیت به نظام قضایی و قضایی چون رئیسی است، میخواهد وانمود کند که عادلانه است، هر کس در هر مقامی خلاف کرد باید پاسخ دهد. ثالثاً با چنین ژستی میخواهد اعتراضات کارگری را به کانال قانونی (کانال دولتی) هدایت کند تا با تخلیه خشم نهفته کارگران در کانال دولتی، اعتراضات کارگری را از محتوا تهی سازد.

یکی از چهرههایی که در جلسات دادگاه از او یاد شد مدیر جهادی و مومن استاندار خوزستان غلامرضا شریعتی است که اسد بیگی (صاحب هفت تپه) نه تنها هزینه تور تفریحی خانواده استاندار را پرداخته است بلکه ۲۰۰ هزار دلار رشوه به همسر استاندار نیز پرداخته است. همگی اینها در شرایطی و زمانی اتفاق افتاده که کارگران نیشکر هفت تپه برای حقوق های پرداخت نشده خود اعتراض میکردند و یا بخاطر چنین اعتراضاتی در زندان بودند. اگر چه جلسات دادگاه غیر علنی است اما برخی رسانه های اصولگرا قسمت هایی از جلسه دادگاه را منتشر کرده اند، از جمله:

"امید اسدبیگی هزینه ۲۰ هزار دلاری یکی از سفرهای استاندار و خانواده اش را به همسر استاندار داده و همچنین از طریق یک واسطه نیز مبلغ ۲۰۰ هزار دلار به همسر استاندار پرداخت کرده است." [۱]

همین استاندار همسو با نهادهای امنیتی نقش مهمی در سرکوب و بی نتیجه گذاشتن مبارزات کارگری و تفرقه افکنی در میان کارگران ایفا کرده است. بخصوص کارگران هفت تپه و کارگران گروه ملی صنعتی فولاد او را بخوبی می شناسند و بیاد دارند این جنایتکار چه نقشی در سرکوب جنبش کارگری ایفا کرده است. امید اسد بیگی در رابطه با خدمات استاندار خوزستان در حق کارفرمایان در جلسه همان دادگاه چنین اظهار داشت:

"شریعتی مردی شریف و پیگیر است حامی من بوده و خوب از من حمایت کرده است." [۲]

بدنبال پخش خبر گرفتن رشوه استاندار خوزستان از اسد بیگی در رسانه های اجتماعی، داسرای عمومی و ضد انقلاب تهران به دفاع از استاندار برخاست و طی اطلاعیه ای اعلام کرد، پخش خبر گرفتن رشوه استاندار غیر قانونی است، به عبارت بهتر تعقیب قضائی را بدنبال خواهد داشت و چنین اعلام کرد:

"انتساب هرگونه اتهام و یا مطلب ناروا به اشخاص، در صورتی قابلیت استناد دارد که مراحل و سیر قضایی خود را طی کرده باشد... پرونده اتهامی در خصوص استاندار خوزستان، در داسرای تهران مطرح نبوده و بر همین اساس وارد کردن اتهام به وی غیرموجه و فاقد مشروعیت قانونی است." [۳]

سناریوی مشروعیت بخشیدن به قوه قضائیه بورژوازی ادامه دارد، در حالیکه کارگران شهرداری بخاطر اعتراض شان در خیابان به گلوله بسته میشوند. اخیراً روزنامه های دولتی اعلام کردند به درخواست قصاب زندانیان سیاسی، رئیسی جلاد، رهبر بورژوازی اسلامی با عفو برخی کارگران هفت تپه و چند نفر بازداشت شدگان روز کارگر موافقت کرده و نوشتند:

"به درخواست رئیس قوه قضائیه، رهبر انقلاب با عفو تعدادی از محکومان موافقت کردند و در میان زندانیانی که مشمول عفو و یا تخفیف مجازات شدند تعدادی از محکومان امنیتی از جمله تعدادی از دانشجویان، برخی کارگران هفت تپه و چند نفر بازداشت شدگان روز کارگر در لیست عفو قرار دارند." [۴]

هنوز لیست دقیق "عفو" شدگان مشخص نیست ولی فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه اعلام کرده اسماعیل بخشی، علی نجاتی و محمد خنیفر در لیست عفو قرار دارند به عبارت دیگر هنوز از سرنوشت محکومیت های سپیده قلیان، عسل محمدی، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و امیرحسین محمدی فرد که با وثیقه آزاد شده اند هنوز معلوم نیست. عفو به مفهوم این است که شخصی مرتکب جرمی شده است و به دلایل انسان دوستانه جرم او بخشیده میشود. فعالین کارگری جرمی مرتکب نشده اند که مورد بخشش قرار بگیرند. این قصاب زندانیان سیاسی، رئیسی جلاد به همراه ولی فقیه است که بخاطر جنایاتشان باید مورد محاکمه قرار بگیرند.

متأسفانه عده ای تحت عنوان فعالین کارگری عملاً در خدمت سناریوی مشروعیت بخشیدن به رئیسی جلاد (قصاب زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰) قرار گرفتند. اخیراً نامه ای به امضای فعالین کارگری هفت تپه (۲۳ امضاء)، فعالین کارگری هیکو (۳ امضاء) در کنار تعداد زیادی بسیجی و طلبه به رئیسی جلاد و رئیس کنونی قوه قضائیه ارسال شده است. در این نامه نوشته شده است:

"این روزها سرانجام زحمت پنج ساله‌ی کارگران هفت‌تپه و تشکل‌های دانشجویی که دغدغه‌ی کشت و صنعت هفت تپه را داشتند و به انحاء مختلف در تلاش بودند این صنعت بزرگ خوزستان را از دست غارتگران بیت المال بیرون آورند به نتیجه رسیده است و دادگاه اسدیگی، خریدار و مدیرعامل متخلف هفت تپه در حال برگزاری است... از جنابعالی انتظار داریم فوراً به این پرونده ورود کرده و دستور برگزاری علنی دادگاه با حضور آزاد خبرنگاران، فعالان دانشجویی و کارگران زحمتکش و درد چشیده را بدهید تا افکار عمومی در جریان پشت پرده‌ی واگذاری‌های این‌چنینی در جریان خصوصی‌سازی‌ها قرار بگیرد. امید می‌رود که قوه‌ی قضائیه به دور از هرگونه تأثیرپذیری از فشارهای بیرونی، این پرونده را تعیین تکلیف نماید." [۵]

رئیس، قصاب دهه ۱۳۶۰ که هزاران شاکی خصوصی دارد، هزاران نفر توسط او امر او به خون غلطیده شده اند، کسی است که تنها در سایه جنایاتش به ریاست قوه قضائیه ارتقاء یافته است. هر گونه نامه پراکنی به چنین جلادی تنها در راستای ایجاد توهم به قوه قضائیه جنایتکار بورژوازی اسلامی است، خاک پاشیدن به چشم کارگران است. بورژوازی اسلامی بارها در راستای منافع خود و یا بخاطر اختلاف‌های درونی و رقابت های درونی خود دست به محاکمه مدیران و مسئولان زده

است و حتی در این رابطه اشخاصی را اعدام کرده است. محاکمه و زندانی کردن فرزندان رفسنجانی، نزدیکان احمدی نژاد و یا اعدام قطب زاده تنها بخشی از اینها است. محاکمه اسدبیگی نیز تنها یکی از محاکمات است. محاکمه کنندگان اسدبیگی شرورتر، جنایتکارتر، دزدتر از خود اسد بیگی هستند. کارگران هفت تپه در مبارزه خود تنها باید به نیروی خود و دیگر هم طبقه ایهای خود متکی باشند و نباید به جناحی از بورژوازی توهم داشته باشند. همین توهم پراکنی در کانال تلگرامی کمیته کارگری تحت عنوان "سندیکای هفت تپه" نیز تکرار میشود:

"پس از ماهها انتظار و سالها مبارزه بحق و آگاهانه کارگران شجاع نیشکر هفت تپه پای امیداسدبیگی رانت خوار و مفسد اقتصادی به میز محاکمه کشیده شد و این امید را در دل کارگران شرکت نیشکر زنده کرد که البته قوه قضائیه بار عایت عدل و انصاف به پنج سال زجر و ظلم و حرامخواری وی پایان داده و او را به سزای اعمال با اشد مجازات برساند... کارگران شجاع و حق طلب نیشکر تا پایان دادگاه رسیدگی به این فساد بزرگ منتظر حکم قاطعانه و عادلانه و مناسب مقامات قضایی میمانند و هرگونه مصلحت اندیشی و اعمال نفوذ در پرونده را برنمی تابند و این حق را بخاطر ظلم غیرقابل جبران خاندان فاسد اسدبیگی برای خود قائل هستند در صورت خلع ید نکردن آن کارفرمای نالایق و ناکارآمد که تولید را به بیست هزار تن رساند. کارگران وارد عمل شده و اقدام قاطع و دندان شکنی به این مفسدین و حامیان بومی و غیربومی آنها بدهند." [۶]

همه این عوامفریبها در شرایطی مطرح میشود که کارگر معترض رسول طالب مقدم به خاطر اعتراض خود توسط همین دستگاه قضائی "با رعایت عدل و انصاف" محکوم به شلاق میشود و پس از شکنجه علنی (۷۴ ضربه شلاق) در شرایط نامناسب جسمی به قرنطینه زندان اوین منتقل شد. هر چند فعلا آزاد شده است. همان دستگاه قضائی که با توسل به شکنجه بخشی و قلیان را به نمایش تلویزیونی کشانده بود. همان دستگاهی که اعتراض کارگر شهرداری را در اهواز با گلوله پاسخ میدهد.

اگر چه اعتراضات کارگری هفت تپه در پائیز ۱۳۹۷ پس از ۲۸ روز مبارزه شکوهمند، پس از ۲۸ روز نبرد طبقاتی، ۲۸ روزی که بردگان مزدی جامعه را لرزاندند، اعتصاب شکوهمند هفت تپه به شکست کشانده شد اما دستاوردها، آموزه ها و حتی اشتباهات آن مبارزه کارگری فراموش شدنی نیستند و بخشی از تاریخ طبقه کارگر هستند. زمانی هفت تپه سمبل اعتراض کارگری نه تنها در خوزستان و یا ایران بلکه در اقصی نکات این کره خاکی شده بود. زمانی هفت تپه موضوع بحث نه فقط در خوزستان و یا ایران بلکه در اکثر شهرهای جهان تبدیل شده بود. زمانی در شهرهای اروپا و آمریکا بر سر دستاوردهای مبارزات کارگری هفت تپه جلسات برگزار میشد.

هفت تپه سمبل اعتراض کارگری شد، چرا که کارگران اعتصابی دست به دامان نهادها و ارگانهای بورژوازی برای تحقق خواستههای خود نشدند بلکه روند اثبات ارزش اضافه و سود سرمایه را قطع کردند. مطالبات خود را از طریق مبارزه به پیش بردند. این مسئله باعث ریزش توهم کارگران به بورژوازی شد و به تبع آن باعث تقویت جسارت و روحیه مبارزه جویی کارگران شد. زنان کارگر از حاشیه به متن مبارزه کشیده شدند، خانواده ها به مبارزه پیوستند و باعث شکلگیری عمیق

ترین همبستگی توده ای شد. در جریان مبارزه رهبران کارگری شکل میگیرند و ضرورت کمیته اعتصاب، کمیته کارخانه و دیگر اشکال تشکل های مستقل کارگری مطرح شد.

دوران پسا کرونا، دوران جنبش های اعتراضی خواهد بود. بدون دخالت طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی در اعتراضات اجتماعی، تنها خشم خفته اعتراضات اجتماعی تخلیه خواهد شد و اعتراضات اجتماعی نخواهند توانست به سطح عالی تری ارتقاء یابند. آیا طبقه کارگر نیز خود را برای دوران پسا کرونا آماده میکند؟ آیا طبقه کارگر ویرانی های حاصل از پاندمی کرونا را به فرصتی برای پیشروی جنبش کارگری تبدیل خواهد کرد؟

## **پیش بسوی تشکل های مستقل کارگری! زنده باد مبارزه مستقل کارگری!**

م جهانگیری

۱۸ خرداد ۱۳۹۹

### **توضیحات:**

[۱] <https://www.radiofarda.com/a/Khuzestan-governor-Shahriati-reaction-bribe-Asadbeigi/30630590.html>

[۲] منبع ۱

[۳] اطلاعیه دادستانی تهران

[۴] عفو برخی کارگران هفت تپه، دانشجوی و چند بازداشتی روز کارگر

[۵] نامه به رئیسی، رئیس قوه قضائیه

[۶] [https://t.me/s/syndica\\_7tape](https://t.me/s/syndica_7tape)